

وقتی قصاب دست به چاقو شد!



عکس تزئینی است

در کل چهل روز گذشته در بیمارستان بوده و در این میان از بیمارستان رضوی به هاشمی نژاد منتقل شده است. به گفته قاضی صفری، اکنون وضعیت هوشیاری این مصدوم بهتر شده و او از خطر گریخته است، اما هنوز شرایط ترخیص از بیمارستان را ندارد و پرونده منتهی نیز در شعبه بازپرسی دیگر به اتهام ایراد ضرب و جرح در دست پیگیری است.

اورژانس راهی بیمارستان رضوی شد و با سطح هوشیاری پایین بستری شد. با دستگیری قصاب جوان، همه نگاه‌ها به بیمارستان دوخته شد تا وضعیت جسمانی مرتضی، وضعیت پیگیری پرونده را مشخص کنند. با گذشت حدود چهل روز از این نازع ششانه که گزارش آن را با تیرتیر «دست‌ها و بازو در میان مرگ و زندگی» منتشر کردیم، پیگیری‌ها نشان داد که این جوان

ساده‌اش راه کرسی بنشاند، چاقوبه دست به سمت جوانان مذکور رفت و به محض رسیدن به اولین نفر (که مرتضی بود)، ناگافل ضربه‌ای به سر او زد. بافتادن مرتضی روی زمین و خون‌ریزی شدید، دعوا تمام شد و قصاب و شاگردش صحنه را ترک کردند.

صدای شلوغی و بگو مگوی این افراد، موجب اعتراض کاسیان آن محدوده شد و اعتراض‌هایی را در پی داشت. اما این افراد بی توجه به این شکایت‌ها، به تهنه سر و صدا ایشان را کمتر نکردند. همین هر لحظه به شدت آن افزودند. همین موضوع موجب شد حمید (قصاب آن محله) و شاگردش که آن وقت شب هنوز در مغازه بود، به این میدان بگذرانند و تذکری جدی به این جوان‌ها بدهند.

● **ورود قصاب به معرکه**
اعتراض این قصاب دهه هفتادی به مذاق این جوانان خوش نیامد و آن‌ها که احساس کرده بودند این فرد قصد عودارد، به سمت او رفتند و دقایقی بعد این افراد که پیش از آن هیچ‌گاه یکدیگر را ندیده بودند، وارد نزاع شدند.

تعداد جوان‌ها بیشتر بود و احتمال کتک خوردن قصاب جوان و شاکرکش نیز وجود داشت که حمید (قصاب) دست به کار گردید و چاقوی قصابی‌اش را بیرون کشید؛ البته قصاب در تحقیقات بعدی مدعی شد که او برای دفاع از خودش چاقو کشیده است.

این اولین بار نیست که در مشهد یک تذکره‌ساز به دلیل بی‌نظمی خویش دست‌شده در این پرونده که قصاب جوان نتوانست تذکر

محمد جواد ابوعطا

گزارش

گزارش

حدود چهل روز قبل بود که نزاعی خونین در میدان معراج مشهد به وقوع پیوست و چند نفر به جان یکدیگر افتادند. یکی از طرفین درگیری قضایی جوان بود که در همان حوالی می‌گذاشته داشت. او در این نزاع با جاقو یک ضربه به سر طرف مقابل زد و همان یک ضربه کافی بود تا مصدوم با سطح هوشیاری بسیار پایین به کما برود و بیمارستانی بستری شود. احتمال دارد با بختن این جوان سی ساله به نام مرتضی، پای تیم جنایی را به پرورنده گشود و قاضی صادقی صفری، بازرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، دست‌ورای و یژه‌ای برای بررسی این پرونده داد.

● یک دورهمی شبانه

عوامل انتظامی با حضور در محل حادثه، واقع در حوالی میدان مزراج، نقطه درگیری را که با خون مرتضی مشخص شده بود، شناسایی و تحقیقاتشان را آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد که ساعت ۲۲:۳۰ دوم آبان ماه چند رفیق در قراری از پیش‌تعیین شده در این مکان دورهم جمع شده‌اند.



مرد جوان، قربانی شگرد تکراری



ی خط
حادثه

شهرآرا در عصر دیجیتال افراد وقت خود را در جست و جوی کالا در کوچه و خیابان سپری نمی‌کنند و به جای آن وارد سایت های خرید و فروشی می‌شوند که با نام سایت های واسطه گر معروف اند. فعالی داران در پس این سایت ها حضور گاه دارند و یکی از آنها در روزهای گذشته از زمردی جوان به بهانه فروش کالا ۱۸ میلیون تومان کلایدهاداری کرده. با شکایت این فرد مشخص شد که او با مشاهده آگهی خودرویی در یک سایت به فروشنده تماس گرفته است تا برای دیدن خودرو به محل برود، اما فروشنده با این ادعا که خودرواش خواهان زیادی دارد، از او خواسته است که ۱۸ میلیون تومان به عنوان بیعانه بپردازد. مرد جوان بدون توجه به هشدارهای همیشگی

پلیس، اقدام به واریز مبلغ کرده و فروشنده بعد از آن پاسخگوی تلفنش نبوده است. پلیس با تحقیقات فنی روی سرخ‌های دیجیتالی به جامانده، متهم را شناسایی و باهماهنگی مقام قضایی دستگیر کرد.

چشمان نگار جاودان شد

پخشده! نگار روضه خان" نوجوان دساله ای مملو از شور زندگی بود که بدنبال حادثه ای در بیمارستان رازی تربت حیدریه بستری شد. پزشکان این مرکز درمانی همه تلاش خود را برای نجات نگر غریب به کار بستند اما او به کام رفت و دچار مرگ مغزی شد. با تأیید نهایی مرگ مغزی این نوجوان و مشاوره های دریافتی خانواده این کودک، آن ها با مصلحت اهدای عضو موافقت کردند. بدنبال این درخواست پیکر این مرحوم به بیمارستان منصربه مشهد منتقل شد. در عمل جراحی عضو پیوند، قرینه ای از مرگ "نگار" روضه خان، به دو بیمار نیازمند به عضو اهدا شد.

ناکامی زن همسایه برای سرقت طلا

جلائیان | چند سالی بود که زن جوان در خیابان شهید علیمردانی طلاب ساکن شده و در این مدت

رابطه نزدیکی با همسایه‌ها پیدا کرده بود؛ ارتباطاتی که منجر به آمد و شد همسایه‌ها به منازل یکدیگر شده بود. زن جوان در خلال همین رفت و آمد با دیدن طلاهای زن همسایه که در کمد نگهدار می‌شد، به فکر سرقت آن‌ها افتاد. زن جوان بر آن انجام نقشه سرقت طلاها، کلید خانه همسایه را راسخ کرد و از زرقی آن یکی برای خودش چند روز بعد زن سرقت‌اش را عملی کرد و طلاهای همسایه‌اش را زادید. زن همسایه موضوع سرقت را بیش از ۳۰۰ میلیون تومان طلا را به پلیس اطلاع داد. اما مأموران کلانتری میرزاوک چک خان تلاانیت را برای کشف از این سرقت آغاز کردند. تحقیقاتی که به سرقت منتهی شد، زن جوان همسایه مشکوک شدند. متهم پس از احضار به کلانتری کوشید مأموران را متقاعد کند، اما در فرایند بازجویی فنی اعتراف کرد و طلاهای همسایه‌اش را برگرداند.

دستگیری دزد بی وجدان

جلائیان اسارق بی وجدانی که با کمین در اطراف مراکز درمانی احمدآباد اقدام به سرقت موتورسیکلت بیماران و همراهان آن‌ها می‌کرد.

دستگیر شد. او در این پرونده با چرخ زدن در خیابان های احمدآباد که در قرق مطب های پزشکان است، منتظر می ماند تا بیماری را با موتورسیکلت به مطب پزشکان مراجعه کند. او از شدت درد فراموش کند موتورسیکلتش را به طور ایمن قفل کند. در این لحظه سارق وارد معرکه می شود و دست به سرقت می زند. به دنبال گزارش سرقه های سریالی موتورسیکلت ها در احمدآباد، مأموران کلانتری احمدآباد وارد عمل شدند و با بهره بردن از تصاویر دوربین های محدود و قور سرقه، چهره متهم را شناسایی کردند. تلاش مأموران برای دستگیری متهم ادامه داشت تا اینکه یکی از گشت های ناحیوس موفق به شناسایی او شد. مأموران با تعقیب متهم، او را در حالی که مشغول سرقت موتورسیکلت همراه یک بیمار بود، دستگیر کردند. متهم پس از انتقال به کلانتری در بازجویی اعتراف کرتا اکنون دوازده دستگاه موتورسیکلت را از اطراف مراکز درمانی خیابان های عارف، باستور و بولوار احمدآباد دزیده است. او همچنین معترف شده که موتورهای سرقته را در تعمیرگاهی که متعلق به خودش است اوراق کرده و قطعات آن ها را فروخته است. مأموران در بازرسی از مغازه متهم در دستگاه موتورسیکلت سرقته کشف ضابط کردند.

[illegible]